



شعرهایی که بزرگ حامی پیامبر در وصف ایشان سرود

هنگامی که ابوطالب در حالت احتضار قرار گرفت، همه بزرگان قریش نزد او جمع شدند؛ پس آنها را وصیت کرد: ای گروه قریش! شما برگزیدگان خدا از خلق او هستید، شما را درباره محمد سفارش به نیکی می‌کنم.

به مناسبت 26 رجب سالروز ارتحال ابوطالب

شعرهایی که بزرگ حامی پیامبر در وصف ایشان سرود

هنگامی که ابوطالب در حالت احتضار قرار گرفت، همه بزرگان قریش نزد او جمع شدند؛ پس آنها را وصیت کرد: ای گروه قریش! شما برگزیدگان خدا از خلق او هستید، شما را درباره محمد سفارش به نیکی می‌کنم. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، حضرت ابوطالب متولد 90 سال قبل از هجری و متوفی 3 سال قبل از هجری است، با حضرت عبدالله پدر پیامبر، از یک مادر بودند، اسم ایشان عمران بود و به خاطر پسر بزرگش «#طالب» این کنیه را گرفت، بعد از فوت عبدالمطلب جد بزرگوار پیامبر، سرپرستی محمد مصطفی (ص) را بر عهده گرفت، به غیر از فرزند بزرگش، جعفر، عقیل و علی از دیگر فرزندان پسر ابوطالب هستند، از این میان، جعفر بن ابیطالب در مویه به دست کفار و علی در سن 61 سالگی به دست خوارج کشته شد.

تا اینکه در 26 رجب سال دهم بعثت، پیامبر در ماتم از دست دادن عموی بزرگوارش سوگوار شد و بدن مطهر ابوطالب را در مکه معظمه در مقبره «#حجون» معروف به «#قبرستان ابوطالب» دفن کرد، با مرگ ابوطالب، حضرت رسول و مسلمانان آن روز که کمتر از پنجاه نفر بودند، دچار حزن و اندوه بسیاری شدند، چرا که بهترین مدافع و فداکار در راه اسلام را از دست دادند. در ادامه به بخش‌های زندگان، بزرگ حامی، پیامبر (ص)، می‌پردازیم:

قبرستان ابوطالب در مکه

* شعرهای ابوطالب در مدح و حمایت پیغمبر(ص)

- ابن اسحاق می‌گوید -بعد از نزول سوره مسد- آن زمانی که قریش علیه پیامبر هم پیمان شدند، ابو طالب گفت:

ألم تعلموا أنا وجدنا محمداً / رسولاً كموسى خط فى أول الكتب

فلسنا ورب البيت نسلم أحمداً / لعزاء من عض الزمان ولا كرب

آیا نمی‌دانید ما محمد را پیامبری مانند موسی یافتیم که به پیامبری او در اول همه کتاب‌ها به نام او تصریح شده است.

به خدای کعبه قسم! ما پیامبر را به خاطر سختی‌ها و مشکلات با (بت) عزا عوض نمی‌کنیم. (محمد بن اسحاق بن یسار، سیره ابن اسحاق، ج 2، ص 138)

- حاکم با سند خود از ابن اسحاق نقل می‌کند: عن ابن اسحاق قال: قال أبو طالب أبيتا للنجاشي يحضه على حسن جوارهم والدفع عنهم

ليعلم خيار الناس أن محمداً / وزير لموسى والمسيح ابن مريم

أنا نأبى بهدى مثل ما أنبأ به / فكلُّ بأمير الله يهدى ويعصم

ابوطالب ابیاتی برای نجاشی سرود که او را به نیکی با پناهندگان و دفاع از آنان دعوت کرده بود:

باید بدانند که بهترین مردم، حضرت محمد است و او وزیر موسی و حضرت مسیح است.

برای ما هدایتی آورد، مانند هدایتی که آن دو آورده‌اند، پس هر کدام از آنها به امر و فرمان خدا هدایت می‌کند و حفظ می‌شود. (النیشابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 680)

- ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر مشهور به الأزدی البلیخی در تفسیر مقاتل بن سلیمان جلد 1، صفحه 342 به اشعاری از ابوطالب اشاره و می‌نویسد:

وَاللّٰهُ لَنْ يَصِلُوْا اِلَيْكَ بِجَمْعِهِمْ / حَتّٰى اَوْسَدَ فِى الثَّرَابِ دَفِيْناً

فَاَصْدَحَ بِأَمْرِكَ مَا عَلَيْكَ غَضَاظَةٌ / وَأَبْشُرْ وَقَرَّ بِذَاكَ مِنْكَ عَيْوُنًا

وَدَعَوْتُنِيْ وَ ذَكَرْتَ أَتَكَ تَاصِحِيْ / فَلَقَدْ صَدَقْتَ وَ كُنْتَ قَبْلُ أَمِيْنًا

وَ ذَكَرْتَ دِيْنَاً قَدْ عَلِمْتُ بِأَنَّهُ / مِنْ حَيْرِ أَدْبَانَ الْبَرِيَّةِ دِيْنًا

فرزند برادرم! قریش هرگز به تو دست نخواهند یافت تا روزی که در زیر خاک دفن شوم، دست از یاری تو بر نخواهم داشت، به آنچه مأموری آشکار کن، از هیچ چیز مترس و بشارت ده و چشم‌ها را روشن ساز، مرا به آیین خود خواندی و می‌دانم تو راستگو و در دعوت خدایم، به دستکارت، حقا که در «#محمد» از بهترین دبیران است.

نمایی قدیمی از بارگاه مطهر ابوطالب

* طلب باران ابوطالب با توسل به پیامبر (ص)

احمد بن مروان دینوری مالکی در کتاب «#المجالسة وجواهر العلم» و شمس الدین ذهبی در «#تاریخ الإسلام»، داستان استسقاء حضرت ابوطالب و توسل وی را به رسول اکرم (ص) را این گونه نقل می‌کنند:

جهلمه بن عرفطه می‌گوید: به مسجد الحرام رسیدیم، دیدیم قریش گروه گروه با صدای بلند طلب باران می‌کردند. یکی از آنها گفت:

از لات و عزی کمک بخواهید، دیگری گفت: از منات که سومین آنها است، کمک بگیرید، پیرمرد زیبا روی و نیک رایی گفت: ما از حق منحرف هستیم؛ در حالی باقی‌ماندگان ابراهیم و فرزندان اسماعیل در میان ما است، گفتند: منظور ابوطالب است؟ گفت: بلی، همگی به راه افتادند و من نیز همراهشان شدم، در خانه ابوطالب را کوبیدیم، پس مردی زیباروی که بر اثر گرسنگی چهره‌اش زرد شده بود، بیرون آمد، ایزاری داشت که با آن خود را پوشانده بود، همگی دور او را گرفتند و گفتند: ای ابوطالب! بیان‌ها خشک شده و مردم دچار قحطی شده‌اند، پس بشتاب و برای ما طلب باران کن، ابوطالب گفت: وقتی خورشید غروب کرد و باد از حرکت ایستاد، خواهم آمد. وقتی خورشید غروب کرد و یا نزدیک غروب شد، ابوطالب از خانه خارج شد؛ در حالی که همراه او جوانی بود که همانند خورشیدی که از پس ابر تاریک طلوع می‌کند، می‌درخشید و جوانان دیگری او را همراهی می‌کردند، ابوطالب او را گرفت، پشتش را به خانه کعبه چسباند، زیر بغل آن جوان را گرفت، دستان او را برای دعا بلند کرد، جوانان نیز اطراف او را گرفته بودند؛ در حالی که در آسمان یک تکه ابر دیده نمی‌شد، ناگاه ابر از این طرف و آن طرف جمع شدند و باران شدیدی بارید، تا جایی که بیابان‌ها و صحراها پر از آب شد، در این جا بود که ابوطالب این شعر را سرود:

سپید چهره‌ای که از برکت چهره نورانی او مردم از ابر باران می‌طلبند، همانی که مایه دلخوشی بی‌پدران و پناه بیوه زنان است. بی‌چاره‌گان بنی هاشم به او پناه می‌برند و زمانی که در کنار او هستند، در نعمت و بخشش به سر می‌برند.

***دفاع جانانه ابوطالب از پیامبر**

در روایتی که ابن سعد در «#طبقات» نقل می‌کند، دفاع ابوطالب از پیامبر به چشم می‌خورد: «#و مردم سالکت شدند، سپس گفتند: ای ابوطالب! آیا پسر را نگاه نمی‌کنی که از پیامبر حمایت می‌کند؟ ابوطالب گفت: او را رها کنید که او هرگز در نیکی به پسر عمویش کوتاهی نخواهد کرد. (الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري، الطبقات الکبى، ج 1، ص 187)

نمایی دیگر از قبرستان ابوطالب

***برخورد تند ابوطالب با ابولهب**

هنگامی که ابولهب در حین سخنرانی پیامبر به او اعتراض کرد، ابوطالب دفاع جانانه‌ای کردند که ابن اثیر از علمای بزرگ اهل سنت آن را ذکر کرده است: «#لما اعترض أبو لهب على النبي صلى الله عليه وسلم عند إظهاره الدعوة قال له أبو طالب: يا أعور، ما أنت وهذا».

زمانی که ابولهب در حین صحبت‌های رسول خدا در دعوت خویشان اعتراض کرد، ابوطالب به او گفت: ای مرد یک چشمی! این حرف‌ها به تو چه ربطی دارد! (المرسى، أبو الحسن على بن إسماعيل بن سيدة، المحكم والمحيط الأعظم، ج 2، ص 343)

*** ابوطالب فرزندان خود را پیشمرگ پیامبر قرار داد**

ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌نویسد: ابوطالب، بسیار می‌ترسید که دشمنان رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم با شناسایی خوابگاه آن حضرت شبانه هجوم آورند، به همین خاطر فرزندش علی را به جای او در بستر می‌خواباند.

***وصیت ابوطالب به پیروی از رسول‌الله(ص)**

کلاعی اندلسی در «#الإكتفاء»، صالحی شامی در «#سبل الهدى» می‌نویسند: «#هنگامی که ابوطالب در حالت احتضار قرار گرفت، همه بزرگان قریش نزد او جمع شدند؛ پس آنها را وصیت کرد و فرمود: ای گروه قریش شما برگزیدگان خدا از خلق او هستید، شما را درباره محمد سفارش به نیکی می‌کنم؛ زیرا او امین قریش و راستگوترین فرد در میان عرب است، او دربردارنده همه ویژگی‌های است که شما را به آن سفارش کردم، او برای ما چیزی آورده که قلب آن را می‌پذیرد و زبان از ترس ملامت دیگران آن را انکار می‌کند.

به خدا قسم! گویا می‌بینم که عقب افتاده‌های عرب و اهالی روستاها و مردم محروم دعوتش را اجابت می‌کنند و گفتار او را تصدیق می‌کنند و امر او را بزرگ می‌دارند... ای گروه قریش، او پسر پدر شما است، برای او یاور و برای حزب او حامی باشید، به خدا قسم کسی راه او را نمی‌رود؛ مگر اینکه هدایت می‌شود و کسی که هدایت او را بپذیرد، خوشبخت می‌شود و اگر از عمر من باقی مانده بود و در اجل من تاخیر می‌افتاد، سختی‌های او را به جان می‌خریدم و در مقابل بلاها از او دفاع می‌کردم».